

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

شرایط نوین و تغییرات راهبردی در خاورمیانه

بین‌المللی این منطقه نتیجه مستقیم دو عامل است که با یک‌دیگر بعضاً همپوشانی نیز دارند: (۱)

۱. موقعیت؛

۲. منابع.

۱. منطقه‌ی خاورمیانه در محل تلاقی اروپا، آفریقا و آسیا قرار گرفته و این قاره‌ها را به هم مرتبط می‌نماید. مسیر سنتی و تاریخی در این منطقه برای حمل ابریشم به کار گرفته می‌شد. اما امروزه برای انتقال نفت، گاز و برق مورد استفاده قرار می‌گیرد. موقعیت اتحاد شوروی سابق نیز اهمیت این منطقه را بیشتر نمود. برای سال‌ها روسیه‌ی تزاری و بعد از آن، شوروی به دنبال دست‌یابی به آب گرم بود. شوروی مانند روسیه، به دنبال تأمین امنیت و اهداف خود سعی در نفوذ در کشورهای این منطقه را داشت.

منطقه‌ی خاورمیانه حوزه‌ی وسیعی را در بر می‌گیرد که تعیین حدود جغرافیایی آن همیشه مورد بحث بوده‌است. هرچند به طور معمول این منطقه، از مصر تا دریای خزر و از ترکیه و ایران در شمال تا یمن و سودان در جنوب تعریف می‌شود. واحدهای سیاسی در این نقطه طیف وسیعی از نظام‌ها را دربر دارند. (از حکومت‌های دینی، تا دموکراسی پارلمانی و هم‌چنین رژیم‌های دیکتاتوری و نظامی). این منطقه در برگیرنده‌ی گروه‌های زبانی و قومی اقتصادی - اجتماعی متفاوت و انواعی از اتحادهای بین‌المللی منطقه‌یی است.

اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه آن را به یک مرکز مهم و مورد توجه قدرت‌های خارجی برای اعمال قدرت و حضور بیشتر، نفوذ، کنترل و دست‌یابی به منابع و بازارهای منطقه تبدیل نموده‌است. اهمیت ژئواستراتژیک

افزایشی بر منابع نفتی، تولید و صادرات آن کنترل دارند. در اوپک، عربستان سعودی، عراق، کویت، ایران و امارات بیشتر سهم منابع ثابت‌شده‌ی جهانی را دارا هستند. عربستان سعودی به تنهایی بیش از ۲۵ درصد کل نفت جهان را داراست و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت است.^(۳) این وضع نشانگر قدرت روبه افزایش کشورهای خلیج فارس، اوپک در تعیین تولید، مقدار و قیمت نفت جهانی است.

درآمدهای نفتی به طور ناگهانی از سال ۱۹۷۳-۴ هم‌زمان با بحران نفتی و جنگ اعراب-اسرائیل افزایش یافت. اما در اواسط دهه‌ی ۸۰ به علت تولید زیاد و رقابت برای تولید بین تولیدکنندگان نفت، قیمت‌ها به شدت سقوط کرد و تا همین اواخر به پایین‌ترین میزان رسیده بود. با وجود این، تولیدکنندگان بزرگ خاورمیانه سرمایه‌های زیادی را از منابع نفتی اندوخته‌اند و این به نوبه‌ی خود باعث ایجاد قدرت‌های اقتصادی جهانی شد. کشورهای نفتی بازارهای بزرگی برای عرضه‌ی کالا و خدمات شده‌اند. راه و ساختمان‌سازی، توسعه‌ی صنعتی، خریدهای نظامی و هزینه‌های آموزش و تحصیل توجه کشورها و شرکت‌ها را از هر نقطه‌یی از دنیا به خود جلب نمودند. هم‌زمان با این امر، درآمدهای نفتی، دولت‌ها را به

به همین علت ایران، ترکیه و افغانستان که هم‌مرز با شوروی بودند، اهمیت زیادی در سیاست بین‌المللی داشتند. در طول جنگ سرد و بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا نیز به دنبال رقابت با شوروی درصدد برقراری روابط صمیمانه با کشورهای منطقه بود. حضور نظامی و اطلاعاتی آمریکا به نحو غیرمستقیم توانست منافع آن را در منطقه تأمین نماید. ایجاد پیمان بغداد (که بعدها به سنتو تغییر یافت) و ورود ترکیه به پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، از این نوع به شمار می‌آید.

۲. منطقه‌ی خاورمیانه به علت دارا بودن ذخایر عظیم نفت جهان و به عنوان بزرگ‌ترین منطقه‌ی صادرکننده نفت، نیز دارای اهمیت روزافزون است. از این رو سرمایه‌های عظیمی در صنایع نفتی در این منطقه به کار گرفته شده‌است. از زمان جنگ اعراب-اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ و بحران نفتی، این منطقه در سطح بین‌المللی اهمیت بیشتری یافته است. این وضعیت به لحاظ نقش منطقه در تجارت جهانی، در قرن ۲۱ نیز روبه رشد ارزیابی می‌گردد.^(۴)

اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت (اوپک) به طور رو به

و عده داده شده بود. (۴)

همین اختلاف سرآغاز جنگ‌های متعدد بین اعراب-اسرائیل شد تا این که در نهایت بعد از پایان جنگ سرد، قرارداد به اصطلاح صلح بین اعراب و اسرائیل در اسلو به امضا رسید. از طرف فلسطینی‌ها، سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری عرفات نمایندگی داشت. با وجود این، دیگر گروه‌های فلسطینی از جمله حماس، اساساً با طرح مسأله‌ی صلح با اسرائیل مخالفت داشت و از همین رو جمهوری اسلامی ایران تنها به حمایت رسمی از این گروه پرداخته است. مرگ اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل که قرارداد صلح را از طرف اسرائیل به امضا رسانید و به طور جدی خواستار اجرای آن بود، به پیشرفت مذاکرات صلح و اجرای آن خاتمه داد.

امروز پس از گذشت چندین سال از امضای قرارداد هنوز دولت فلسطین تشکیل نشده و با وجود سرآمدن موعدهای تاریخی برای عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی، پیشرفت چندانی در کار حاصل نگردیده است.

با توجه به تعریفی که از منطقه‌ی خاورمیانه و موضوعات محوری در این منطقه داشتیم، شاهد نوعی تغییر در دیدگاه‌های سستی

سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و شبکه‌های سرمایه‌گذاری جهانی تشویق نمود. با این کار این کشورها نیز در نظام مالی و اقتصادی بین‌المللی اهمیت محسوسی به دست آوردند. علاوه بر دو عامل فوق درگیری میان اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است تا جایی که از نظر بسیاری از شاهدان، خاورمیانه با درگیری جاری میان اعراب و اسرائیل مترادف است. سرزمین فلسطین که جزئی از امپراتوری عثمانی از قرن ۱۶ تا پایان جنگ جهانی اول بوده است پس از شکست امپراتوری عثمانی، توسط جامعه‌ی ملل، تحت کنترل بریتانیا درآمد. بریتانیا فلسطین را در طول رود اردن تجزیه نمود و در شرق رود پادشاهی اردن هاشمی را به وجود آورد. اعراب فلسطین و یهودیان انجمن یهودیان فلسطین بر سر آینده‌ی سرزمین غرب رود به نزاع پرداختند. هدف یهودیان فلسطین با حمایت حرکت صهیونیستی از آنها، ایجاد دولت یهودی در فلسطین براساس مفهوم وعده‌ی داده شده در اعلامیه‌ی بالفور نوامبر ۱۹۱۷ بود. برای اعراب فلسطین و حامیان عربشان در جهان، هدف اعاده‌ی فلسطین به عنوان یک دولت عرب در جهان عرب بود و آنها معتقد بودند که قبلاً در طول جنگ جهانی اول بر اساس مبادلات حسین-مک ماهان این امر به آنها

تحولات تأثیرگذار بر تغییر در راهبرد سیاست خارجی در منطقه‌ی خاورمیانه

۱. تغییر نسل در منطقه

در دهه‌ی حاضر یکی از تغییرات اساسی، تغییر نسل در کشورهای منطقه است. این تغییر نسل در دو جنبه‌ی، تغییر در نسل طبقه‌ی حاکمه و تغییر نسل توده‌ی مردم، تأثیرگذار خواهد بود. «بسیاری از رهبران منطقه مسن هستند و چشم‌انداز انتقال آرام قدرت در اغلب کشورهای عرب منطقه به چشم می‌خورد. از خصوصیات این کشورها این است که نیروی حاکم از دولت جداپذیر نبوده و دولت‌ها با حاکمان آن شناخته می‌شوند.»^(۵) لذا تغییر در نسل حاکمان، تغییر در راهبردهای کشور را به همراه خواهد داشت. می‌توان به عربستان سعودی به عنوان بارزترین نمونه‌های این تغییر نسل اشاره داشت. با قدرت گرفتن هرچه بیشتر شاهزاده عبدالله ولیعهد عربستان، روابط منطقه‌ی این کشور از جمله با ایران بهبود یافته و زمینه‌های هرچه بیشتر بیگانه ستیزی و از جمله حضور آمریکا در خلیج فارس به چشم می‌خورد.^(۶)

در سطح مردمی و ملی با کاهش میزان متوسط سن جمعیت این کشورها مواجهیم. در ۱۹۸۰ مسلمانان ۱۸ درصد از جمعیت جهان را

بازیگران این منطقه هستیم. تغییر نگرش‌ها خود نتیجه‌ی تحولاتی است که مورد سؤال این نوشتار است. بنابراین پس از بررسی تحولات تأثیرگذار در راهبرد سیاست خارجی کشورهای منطقه به بیان این راهبردهای نو می‌پردازیم.

تغییر نسل در کشورهای منطقه، تمایلات روبه افزایش ملت‌های منطقه به توسعه‌ی سیاسی، روندهای مردم‌سالاری و خصوصی‌سازی و اقتصاد بازار آزاد، کاهش قیمت نفت و کاهش درآمد این کشورها، کاهش هزینه‌های نظامی، بدبینی کشورهای عرب نسبت به ماهیت دولت اسرائیل و در نهایت تأثیر برتری نظریه نظام چندقطبی در مقابل نظام تک‌قطبی به رهبری آمریکا، همگی از عوامل اساسی یا تحولات منطقه‌ی تأثیرگذار بر تغییر راهبردی سیاست خارجی کشورهای منطقه به شمار می‌آیند.

پاسخ به این تحولات از سوی کشورهای منطقه در چارچوب همکاری‌های بیشتر منطقه‌ی و همگرایی‌هاست. از جمله به موارد هم‌نواپی‌های این کشورها در سازمان اوپک برای افزایش قیمت نفت و هم‌چنین بهبود روابط ایران و عربستان به عنوان نمادی از بهبود روابط میان کشورهای اسلامی منطقه می‌توان نام برد.

بنیادگرایی اسلامی در جهان اسلام و عرب نباید به علایق مذهبی مردم نسبت داده شود. علت زیرین که در ورای ورود «اسلام سیاسی» قرار گرفته مذهبی یا دینی نیست، بلکه اصالتاً اقتصادی-اجتماعی و سیاسی است.^(۹)

۲. وضعیت اقتصادی

اهمیت عامل اقتصاد در امنیت ملی کشورها به خصوص بعد از جنگ سرد، کشورهای خاورمیانه را دچار بحران‌های خاصی نمود برخی از این بحران‌ها لازمی انتخاب راهبردهای جدید و دوری گزیدن از اولویت‌های سیاسی-امنیتی و توجه به اولویت‌های اقتصادی-اجتماعی است. با وجود درآمدهای نفتی بعضی از کشورهای خاورمیانه، از وضع اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. به طوری که تنها در مورد کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس چنین گفته می‌شود که درآمد آنها در مقایسه با جهان توسعه یافته به طرز عجیبی پایین است. تمامی این کشورها از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، یعنی هنگامی که قیمت نفت کاهش یافت، با کسری بودجه مواجه بوده‌اند و مجموع تولید ناخالص ملی آنها با تولید ناخالص کشوری مانند سوئیس که دارای جمعیتی کمتر از ۷ میلیون نفر است قابل مقایسه است. در بررسی دقیق این

دربار می‌گرفتند. تا پایان ربع اول قرن حاضر تنها حدود ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند. اما این روند رشد درخاورمیانه هم‌چنان انتظار می‌رود. بنابراین پیش‌بینی می‌شود تا نیمه‌ی قرن آینده جمعیت مصر از ۷۰ میلیون به ۱۲۰ میلیون، عربستان از ۲۱ میلیون به ۶۱ میلیون، سوریه به حدود ۵۰ میلیون، ایران به ۱۶۰ میلیون (یا بزرگ‌تر از روسیه امروزی) و افغانستان به جمعیت امروزی مصر برسد.^(۷)

افزایش جمعیت با این نرخ رشد بالا در نهایت منجر به جوان‌تر شدن جوامع خاورمیانه خواهد شد. اما در این که جوان‌تر شدن جوامع چه تأثیری بر مسایل سیاسی و اجتماعی و در نهایت نقش کشورها داراست، اختلاف نظر است. دسته‌ی معتقدند که باعث هرج و مرج بیشتر می‌شود و عده‌ی برای باورند که باعث توسعه‌ی سیاسی می‌گردد.^(۸)

در مقابل افراد دیگری هستند که جوان بودن جمعیت کشورهای منطقه را زمینه‌ی برای مردم‌سالارتر شدن جوامع خاورمیانه در نظر می‌گیرند. از نظر اینان رویکرد جوامع خاورمیانه به اسلام‌گرایی و افزایش خیزش‌ها و حرکت‌های اسلامی نیز اساساً به دلیل نیاز این ملت‌ها به دموکراسی است که نمود آن را در ارزش‌های اسلامی مشاهده می‌کنند. به عبارتی «پیدایش

مسأله معلوم می‌شود که مجموع تولید ناخالص ملی تمامی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه از مغرب گرفته تا افغانستان از جمله اسرائیل در سال ۱۹۹۴ به طور قابل ملاحظه‌یی کمتر از نصف تولید ناخالص داخلی فرانسه بود.^(۱۰)

از جمله عواملی که منجر به ضعف‌های اقتصادی این کشورها می‌شود، وابستگی بیش از حد به فروش مواد اولیه و یا کمک‌های خارجی، حاکمیت بخش دولتی، بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری خارجی و خصوصی‌سازی بوده‌است. در عین حال بخش‌های دولتی نیز با تورم نیروی کار مواجه بوده و در نهایت معضل بیکاری را در کشور به وجود آورده‌اند. به عنوان مثال: «از میان ۱۶۲۵۹ نفر سعودی فارغ‌التحصیل سال ۱۹۹۴ از دانشگاه‌های عربستان سعودی، فقط ۵۵۷۰ نفر موفق به یافتن شغل در بخش دولتی شدند.»^(۱۱)

به دست خواهند آورد تا توسعه‌ی داخلی. در مقابل این منطقه، از منطقه‌ی آسیای جنوب‌شرقی یاد می‌شود که دولت‌های آنها نشان داده‌اند که نفوذ زیادی را می‌توانند از طریق توسعه‌ی داخلی به دست آورند تا توسعه‌طلبی خارجی.^(۱۲) اما جنگ در منطقه نشان داده که نمی‌تواند راه حل‌نهایی باشد. تجربه در جنگ اول و دوم خلیج فارس اثبات نمود که جنگ در خلیج فارس بیش از آن که تأمین‌کننده‌ی اهداف کشور یا کشورهایی از منطقه باشد، منافع قدرت‌های خارجی را تأمین خواهد کرد. به طوری که حاصل جنگ ایران و عراق، تضعیف هر دو آنها که عملاً تهدیدی برای منافع آمریکا بودند محسوب می‌شد و حاصل جنگ عراق و کویت نیز حضور نظامی آمریکا، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و در نهایت تأمین منافع آمریکا در منطقه با پرداخت هزینه‌ی آن از سوی کشورهای منطقه شد. از این‌رو کشورهای منطقه دریافته‌اند که راه نجات آنها جاده‌یی یک طرفه است و آن تأکید بر توسعه‌ی داخلی و در بعد خارجی آن همکاری‌ها و همگرایی‌هایی منطقه‌یی و دوری از طرح و پی‌گیری مسایل سیاسی - امنیتی است.

راه حل مسایل فوق از دید صاحب نظران مسایل خاورمیانه در دو دسته قرار می‌گیرد. عده‌یی بر این نظرند که خاورمیانه یکی از معدود مناطق دنیا باقی خواهد ماند که دعوا بر سر منابع نفت و آب در آن ادامه خواهد داشت و بنابراین جنگ راه حل‌نهایی محسوب می‌شود و تنها منطقه در دنیا است که رهبران آن معتقدند، ثروت و نفوذ را بیشتر از طریق جنگ

۳. تغییرات در نظام بین‌الملل

فروپاشی نظام شوروی فرصتی را برای ابرقدرت باقی مانده به وجود آورد تا به تنهایی و بدون هیچ مانع و رقیبی به پیگیری اهداف خود بپردازد. از این رو نظریه‌ی نظام تک‌قطبی به سرکردگی آمریکا مطرح گردید و در ابتدای امر در اذهان اکثر رهبران کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه این موضوع شکل گرفت که اگر حمایت آمریکا را از خود داشته باشند، بر مشکلات فائق آمده‌اند. از این رو در منطقه‌ی خلیج فارس کشورهای عرب از حضور نیروهای آمریکایی استقبال به عمل آوردند و در مورد بحران اعراب-اسرائیل نیز این کشورها اسرائیل را به رسمیت شناخته و خواهان انجام مذاکرات صلح شدند.

بی‌اعتمادی به این نظام زمانی آغاز شد که مذاکرات صلح به شکست انجامید و آمریکا هم‌چنان با جانبداری از اسرائیل مانع از انجام مذاکرات گردید و از سوی دیگر بزرگ‌ترین تهدید منطقه، از نظر آمریکا یعنی ایران برای کشورهای منطقه، اثبات نمود که تهدیدی به همراه ندارد و تنها هزینه‌های هنگفت نظامی بر دوش کشورهای منطقه می‌گذاشت.

این بی‌اعتمادی زمانی به اوج خود رسید که کشورهای منطقه با حمله نظامی آمریکا

و انگلیس به عراق مخالفت نمودند. چرا که در مورد این که آیا هدف آمریکا می‌تواند منافع بلندمدت آنها را تأمین نماید، شک داشتند. از دیگر شاخص‌های این بی‌اعتمادی، عدم همکاری عربستان با آمریکا در مورد بمب‌گذاری در طهران عربستان بود که به ایران نسبت داده می‌شد.

تحول ماهوی و شکلی در نظام بین‌الملل نیز بر سیاست‌های منطقه بی‌تأثیر نبوده‌است. اولویت‌های اقتصادی-اجتماعی که جایگزین اولویت‌های سیاسی-امنیتی در نظام بعد از جنگ گردید، هنوز در منطقه‌ی خاورمیانه جایگاه خود را نیافته و از سوی دیگر گذشت زمان اثبات نمود که آمریکا تنها ابرقدرت نبوده و نظام، تک‌قطبی نیست. شکست آمریکا در اعمال سیاست مهار ایران و عراق و تحریم اقتصادی ایران، نخبگان منطقه را به این فکر واداشته که تصمیمات خود را براساس سطوح منطقه‌یی تنظیم نمایند تا سطوح بین‌الملل. به لحاظ نظری نیز باید به این نکته توجه نمود که هرچه نظام کثرت‌گراتر باشد، امکان تعاملات منطقه‌یی بیشتر می‌شود و در نظام سلسله مراتبی است که اراده‌ی کشورها سلب می‌گردد.

۴. شکست مذاکرات صلح و تغییر در راهبرد

اسرائیل

رهبران اسرائیل زمانی به اهداف دوران جنگ سرد، یعنی دست‌یابی به صلح و انجام مذاکرات بر آن دست یافتند که با پایان نسل همراه بود. نسل جدید با سیاست‌ها و روش‌های جدید به میدان آمد و بنابراین به مخالفت با مذاکرات و سیاست به اصطلاح «زمین در برابر امنیت» پرداختند. اتخاذ نقش فعال منطقه‌یی در حوزه‌های امنیتی - نظامی، اقتصادی و سیاسی از جمله راهبردهای دولت جدید اسرائیل بود که با دو شاخصه‌ی قرارداد امنیتی ترکیه - اسرائیل و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در منطقه از جمله در آسیای مرکزی و برقراری کنفرانس‌های اقتصادی از جمله کنفرانس دوحه ارزیابی می‌گردد.

از این‌رو حتی روابط ترکیه - اسرائیل

تسنا در چارچوب نظامی - امنیتی خلاصه نمی‌شود. این روابط زمینه‌ی دیگری را نیز در بر می‌گیرد از جمله: (۱۳)

۱. تجارت قرارداد منطقه‌ی آزاد تجاری

اسرائیل - ترکیه در مارس ۱۹۹۶ به امضا رسید و در می ۱۹۹۷ با تصویب مجلس دو طرف قابل اجرا شد. پیش‌بینی می‌شود که ظرف سه سال آینده تجارت سالیانه‌ی آنها چهار برابر شده و از

۴۵۰ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار برسد.

۲. حمل و نقل: هر دو طرف

موافقتنامه‌ی حمل و نقل زمینی را به امضا رسانده‌اند که بعد از آن که روابط در منطقه عادی شد به انجام خواهد رسید. به عبارتی سوریه که به صورت پل میانی بین آنهاست، به اندازه‌ی کافی تغییر کند. البته بدون ارتباط زمینی نیز حمل و نقل به اندازه‌ی کافی بین آنها صورت می‌گیرد. در سال گذشته ۴۰۰/۰۰۰ نفر اسرایلی از ترکیه دیدن کردند.

۳. آب: پیشنهاد ترکیه برای «خط لوله

صلح» و عقیده‌ی اسرایلی‌ها برای «کانال صلح» بر روی انتقال آب تازه از ترکیه به اسرائیل تمرکز دارد. البته به علت مخالفت سوریه این طرح هنوز به اجرا نرسیده اما انتقال آب حتی از راه‌های بسیار گران قیمت نیز در دست بررسی است.

۴. مذهبی: در اولین ملاقات هیأت

مذهبی ترکیه از اسرائیل در آوریل ۱۹۹۷ مفتی استانبول اعلام داشت: «هیچ اعتراض مذهبی از طرف مسلمانان برای ایجاد اسرائیل وجود ندارد.»

به نظر می‌رسد، اسرائیل بیش از آن که خواهان آن باشد که با اعراب به مذاکره و گفت‌وگو پرداخته و به صلح دست یابد، خواهان

بعد از جنگ جهانی دوم، تجهیزات نظامی مدرن و پیچیده‌ی چندانی در منطقه وجود نداشت. اما این روند تغییر نمود، با درآمدهای کلان از قیمت افزایش یافته نفت در ۱۹۷۴، جنگ اعراب-اسرائیل، ایران-عراق، و اشغال کویت توسط عراق و در پی آمد حمله‌ی نیروهای متحد به عراق بازار بزرگی را برای عرضه‌ی تسلیحات پیشرفته تشکیل می‌دادند. نظام‌های مدرن با فن‌آوری بالای نظامی از خصوصیات بسیاری از کشورهای ثروتمند منطقه شد. به همین سبب گروه‌های قدرتمند تأمین‌کننده‌ی تسلیحات نیز به طور ناگهانی افزایش یافتند. در حالی که ابرقدرت‌ها بزرگ‌ترین عرضه‌کننده‌های تسلیحاتی در سطوح منطقه بودند، قدرت‌های کوچک‌تر نیز درصد ایجاد ارتباطات منطقه و تأمین نیازهای آنها برآمدند.

کشورهای منطقه بعضاً در دست‌یابی به تسلیحات غیرمتعارف و گسترش و توسعه در زمینه‌ی خودکفایی تسلیحاتی تلاش‌هایی انجام داده‌اند. در منطقه، حتی صنایع دفاعی طیف وسیعی از نظام‌های تسلیحاتی را برای استفاده‌ی کشور تولیدکننده و صادرات برای کسب درآمد، توسعه داده‌اند.

از زمان آشکار شدن این مسأله که

برقراری موازنه‌ی قوا در منطقه بوده تا با ایجاد بازدارندگی به صلح دست یابد. از این رو، اتحاد نظامی ترکیه-اسرائیل می‌تواند به عنوان یکی از محورهای اصلی شکل‌دهی نظامی جدید منطقه‌ی در خاورمیانه به حساب آید.

چنین رفتاری و متقابلاً برداشتی که در اذهان نخبگان سیاسی کشورهای خاورمیانه به وجود آمده، زمینه‌ی اعمال ملاحظات راهبردی در سیاست خارجی این کشورها را فراهم نموده‌است.

۵. مسابقه‌ی تسلیحاتی

دو عامل اساسی باعث شده تا منطقه به کانون تجارت بین‌المللی اسلحه درآید: (۱۴) ۱. بی‌ثباتی و درگیری منطقه‌ی؛ ۲. منابع برای دست‌یابی به تجهیزات نظامی، امکانات و آموزش.

بعضی از درگیری‌های خاورمیانه اساساً از زمان جنگ جهانی دوم ادامه دارد. در حالی که بعضی دیگر مدت کوتاه‌تری دارند. تداوم درگیری‌های منطقه‌ی و محلی، علاقه به دست‌یابی تسلیحات و توانایی نظامی در طرفین را به وجود آورده‌است. عرضه‌کنندگان تسلیحات، متعدد بوده و همه نوع اسلحه و آموزش را در دست دارند.

خاورمیانه قابل تأمل است. کل تسلیحات خریداری شده توسط کشورهای خلیج فارس از ۶۲/۳ میلیارد دلار در ۹۱-۱۹۸۸ به ۳۷/۱۳ میلیارد دلار در ۹۵-۱۹۹۲ رسید. این کاهش ۴۰ درصد را نشان می‌دهد. این روند در خاورمیانه حداقل به طور موقت ادامه خواهد یافت. اما نکته‌ی اساسی در این است که کاهش در خرید تسلیحات به خاطر کاهش نگرانی از امنیت نظامی نیست. بلکه برعکس تقریباً به طور کامل به محدودیت‌های مالی مربوط می‌شود. (۱۵)

تحول در راهبرد سیاست خارجی کشورهای

منطقه

صرف‌نظر از تأثیراتی که عوامل فوق بر سیاست‌های داخلی کشورهای منطقه گذاشته است، سیاست خارجی آنها نیز تحت تأثیر این عوامل، تغییرات اساسی نموده است. مسأله‌ی امنیت این کشورها به علت تهدید مقابل، یعنی اسرائیل و اتخاذ راهبرد نظامی و اتحاد نظامی با ترکیه بعد از مرگ رابین، به شدت نیازمند پاسخگویی نظامی است که البته با توانایی‌های محدود کشورهای منطقه، امکانی جز ایجاد اتحاد متقابل نظامی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

از سوی دیگر به لحاظ اقتصادی نیز این

بعضی کشورهای منطقه دارای نظام‌های تسلیحاتی غیرمتعارفند و یا می‌توانند آن را به دست آورند، چندین موضوع انتقادی و مورد بحث در منطقه ظهور کرده است. در همان زمان، اراده‌ی بعضی کشورها برای استفاده از موشک جهت بمباران اهداف شهری و گازهای سمی علیه حتی شهروندان خودی سوالات جدیدی در مورد پتانسیل گسترش به کارگیری آنها در دیگر درگیری‌ها مطرح گردید. تسلیحات بیولوژیکی - شیمیایی، خاورمیانه را در لبه‌ی اقدام‌های نظامی مدرن قرار داده که گسترش بیشتر آن در نهایت ممکن است، منجر به تنش‌های بین‌المللی و یا منطقه‌یی شود. هم‌چنین این نگرانی نیز وجود دارد که توانایی‌های اتمی و تحقیقات اتمی در منطقه به وجود آمده است. اسرائیل به عنوان پیش‌تاز تحقیقات اتمی در منطقه مدعی است که توانایی هسته‌یی دارد و عراق نیز علاقه‌مندی خود را به توسعه‌ی چنین توانایی اعلام داشته و شواهد واضحی در دست است که وی برنامه‌هایش را برای رسیدن به این هدف قبل از جنگ خلیج فارس آغاز کرده است.

با وجود رقابت تسلیحاتی در زمان جنگ سرد و حتی در چند سال پس از جنگ سرد، روند نزولی میزان هزینه‌های نظامی در

منافع امنیتی مشترک، دولت‌ها را بر آن می‌دارد که در چارچوب همکاری‌های درون‌گروهی اتحادها و ائتلاف‌هایی را به وجود آورند. به طور کلی «علت عمده‌ی متمهد شدن واحدهای سیاسی به یک‌دیگر، افزایش نفوذ دیپلماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق هدف‌ها و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌ها به ویژه توانایی‌های اقتصادی و نظامی است.» (۱۶) هرچند در منطقه‌ی خاورمیانه به وضوح حرکت به سمت ایجاد ائتلاف نظامی به چشم نمی‌خورد، اما زمینه‌های از میان برداشته شدن موانع آن نیز فراهم می‌شود. مهم‌ترین عوامل، اراده‌ی سیاسی در طرفین است که هنوز به طور کامل به وجود نیامده‌است. در روند ایجاد اتحادها و متمهدساختن دولت‌ها به یک‌دیگر، بُعد مسافت و برخورداری از ویژگی‌های مشترک منطقه‌ی و جغرافیایی از شرایط کافی به حساب نمی‌آید، بلکه مهم‌ترین عامل اراده‌ی سیاسی است.

اگر هنوز اراده‌ی برای ایجاد اتحاد نظامی متقابل به وجود نیامده، اراده‌ی لازم برای حل مشکلات و موانع موجود بر سر راه بهبود روابط به وجود آمده‌است. دیدارهای متقابل، رفع سوء برداشت‌ها، انجام اقدام‌های اعتمادساز و غیره همه به بهبود روابط میان آنها کمک

کشورها با پذیرش الگوهای رایج در زمینه‌ی تجارت بین‌الملل باید با رویکرد منطقه‌ی وارد میدان شوند. در بیان اهمیت همکاری‌های منطقه‌ی ذکر این نکته کافی است که به لحاظ توانایی اقتصادی، چندان تشابهی بین آمریکا، مکزیک و کانادا وجود ندارد. در صورتی که آمریکا در مقابل اتحادیه‌ی اروپایی، رویکرد منطقه‌ی خود را در قالب نفتا آغاز نموده‌است. حتی اگر روند مسلط جهانگرایی و غالب آمدن اندیشه‌های نئولیبرال را بر اندیشه‌های نئورئال قطعی بدانیم، باز منطقه‌گرایی زمینه‌ی برای ورود به جهانگرایی به حساب می‌آید. تقسیم کار جدید، ملاحظات مزیت نسبی کشورها، همکاری‌های مالی و پولی، اتحادیه‌های اقتصادی، مناطق آزاد تجاری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و غیره همگی از لوازم مشترک کار در عرصه‌های منطقه‌گرایی و جهانگرایی است.

با توجه به ملاحظات فوق، تغییرات راهبردی کشورهای خاورمیانه در دو حوزه‌ی که قبلاً به آنها اشاره شد بررسی می‌شود:

۱. تشکیل اتحادیه‌های متقابل نظامی؛
۲. همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ی.

۱. اتحادیه‌ی متقابل نظامی

وجود تهدید مشترک و یا به عبارتی

معدود کشورهایی از جمله ایران که دارای زیربنای صنعتی نسبتاً خوبی است، بقیه کشورهای اساساً به علت «رانتی» بودن فاقد هرگونه زمینه‌ی همکاری لازم می‌باشند. اما این روند با بحران‌های اقتصادی پیش روی کشورهای منطقه تداوم نخواهد یافت.

از آنجا که بیشترین میزان از درآمد کشورهای خاورمیانه از جمله خلیج فارس از ناحیه‌ی نفت و فروش مواد اولیه به این کشور^۱ و یا از طریق کمک‌های خارجی است، تا زمانی که تغییرات اساسی در این درآمدها حاصل نشود، نمی‌توان انتظار تغییر جدی در اراده‌ی نخبگان آنها برای همگرایی منطقه‌ی داشت. اما با نوسانات شدید قیمت نفت در چند ماه اخیر و لزوم پایداری اعضای اوپک به سقف تولید برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت، زمینه‌های چنین تحولی به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

منطقه‌ی خاورمیانه به علت مسایلی که

کرده‌است. از دیگر موانع فقدان اراده‌ی سیاسی این است که هنوز تهدیدات اسرائیل به طور جدی متوجه عربستان و مصر نیست، هرچند شرایط جدید ماهیت تهدیدات را نیز تغییر داده‌است.

۲. همگرایی‌های منطقه‌ی

در اغلب موارد از همگرایی به عنوان شیوه‌ی برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ی و بین‌المللی یاد شده است که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده و در بلندمدت باعث بسط و گسترش انترناسیونالیسم می‌شود. با وجود اختلاف نظرهایی در مورد متغیرهای اصلی همگرایی، بسیاری از پژوهشگران درباره‌ی موضوعاتی چون نقش نهادها و نخبگان، کم و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد نوعی اجتماع فوق‌مللی و حرکت‌های یکپارچه‌کننده و انسجام‌دهنده دارای نظرهای مشترک هستند. (۱۷)

اساساً انگیزه‌ی اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری نزدیکی، دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرآیند همگرایی، دست یافتن به آن برایشان غیرممکن بود. هرچند کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه به جز

۱. به عنوان مثال سهم نفت و گاز به عنوان درصدی از کل درآمدها در کشورهای عربستان و ایران در سال ۱۹۸۶ به ترتیب ۵۸ درصد و ۴۰ درصد بوده‌است. در حالی که در سال ۱۹۹۱ به ترتیب به ۷۹ درصد و ۵۱ درصد افزایش یافته است. (۱۸)

دارند. مجموعه‌یی از عوامل داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی کشورهای منطقه را وادار می‌نماید تا سیاستی مستقل‌تر از گذشته و معطوف به منطقه اتخاذ نمایند.

علی‌اکبر رضایی

در آن مطرح بوده از راهبردی‌ترین مناطق در دنیا محسوب می‌شود که تنها در دو دهه‌ی گذشته شاهد دو جنگ بزرگ اول و دوم خلیج فارس بوده‌است. این منطقه که در گذشته به شدت متأثر از نظام بین‌الملل و محدودیت‌های ناشی از آن بوده، امروزه بازیگران آن مستقل‌تر عمل نموده و حوزه‌ی عمل گسترده‌تری را در اختیار

کتاب‌شنامی

1. Bernard Reich. "The Middle East" in: Encyclopedia of government and Politics. Eds by: Mary Hawkesworth & Maurice Kogan. (London & New York: Routledge, 1992), pp 1161-1177.
2. Ibid.
3. Ibid.
4. Ibid.
5. As'ad Abukhalil (A Viable Partnership, Islam, Democracy and the Arab World), in: Altered States, ed by: P. Bennis M. Moushabech, (New York: Dive Bronch Press, 1993) p. 243.
6. روزنامه‌ی سلام، ۶ خرداد ۱۳۷۷.
7. Charles William Mynes. The Middle East in the Twenty-First Century. Middle East Journal, Vol. 52. No.1 (Winter 1998), p 10.
8. Ibid.
9. A. Abukhalil, Op.cit.
10. Gary Sick. Comming Crisis in the Pesian Gulf. Washington Quarterly (Spring 1998).
11. Ibid.
12. C. William. Mynes. Op.cit.
13. Daniel. Pipes: A New Middle East Axis. The Natonal Interest . No. 50 (Winter 1997/98), pp 31-38.
14. B. Reich. Op.cit.
15. G. Sick. Op.cit.
۱۶. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲)، ص ۱۸۰.
۱۷. همان.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی